

Typology of political tendencies of Pakdasht women

Ali keneshloo¹

Received: 10 January 2024

Nayer Pirahari²

Reception: 17 March 2024

Hoshang Zahiri³

Abstract

Political tendencies can be defined as the internal readiness of people to perform a specific action against the political phenomenon. According to this definition, it should be said that political tendencies were not a one-dimensional concept. And it includes a wide set of variables that this study seeks to deal with in fact. The general aim of the current research was to typify political tendencies and social factors affecting them in the women of Pakdasht city. The current research is a descriptive research of the correlation type and based on structural equation modeling, and in terms of its purpose, it is considered a part of applied research. The data of this research was collected in the field and using a questionnaire. In this research, the statistical population included all the women of Pakdasht city, which was about 115860 people, of which 384 people were selected as a statistical sample. In this research, multi-stage cluster sampling was used for sampling. In this research, a researcher-made questionnaire was used to measure women's political tendencies. Partial least squares productivity structural equation modeling was used for data analysis. The results showed that political socialization, religiosity and political culture have a positive and significant effect on the political tendencies of Pakdasht women. While personality authoritarianism and tendency towards the reference group do not have a significant effect on the political tendencies of Pakdasht women.

Keywords: Political tendencies, women of Pakdasht city, social factors

¹ PhD candidate of Sociology Department, Garmsar Branch, Islamic Azad University, Garmsar, Iran.

² Assistant Professor of Sociology Department, Garmsar Branch, Islamic Azad University, Garmsar, Iran. (corresponding Author)

³ Assistant Professor of Sociology Department, Garmsar Branch, Islamic Azad University, Garmsar, Iran.

<http://doi.org/10.30510/pscci.2024.484667.11109>

گونه شناسی تمایلات سیاسی زنان شهر پاکدشت

علی کنشلو^۱

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۱۰/۲۰

نیر پیراهری^۲

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۱۲/۲۷

هوشنگ ظهیری^۳

چکیده

تمایلات سیاسی را در تعریف می توان آمادگی درونی افراد در انجام عملی خاص در برابر پدیده سیاسی تعریف کرد. متناسب با این تعریف باید گفته شود که تمایلات سیاسی یک مفهوم تک بعدی نبوده است. و مجموعه وسیعی از متغیرها را شامل می شود که این مطالعه در پی پرداختن به چنین امری است. در واقع هدف کلی پژوهش حاضر گونه شناسی تمایلات سیاسی و عوامل اجتماعی موثر بر آن در زنان شهر پاکدشت بود. پژوهش حاضر پژوهشی توصیفی از نوع همبستگی و مبتنی بر مدلسازی معادلات ساختاری است و از لحاظ هدف نیز جزء تحقیقات کاربردی محسوب می شود. داده های این تحقیق به صورت میدانی و با استفاده از پرسش نامه گردآوری شد. در این پژوهش، جامعه آماری شامل تمامی زنان شهر پاکدشت بود که طبق آخرین سرشماری رسمی در سال ۱۳۹۵ شامل ۱۱۵۸۶۰ نفر بوده است که نمونه آماری به تعداد ۳۸۴ نفر انتخاب شد. در این پژوهش، جهت نمونه گیری ابتدا از روش نمونه گیری خوشه ای چند مرحله ای استفاده شد. در این تحقیق از یک پرسشنامه محقق ساخته جهت سنجش تمایلات سیاسی زنان استفاده شد. برای تجزیه و تحلیل داده ها از مدلسازی معادلات ساختاری پارویکرد حداقل مربعات جزئی استفاده شد. نتایج نشان داد که جامعه پذیری سیاسی، دینداری و فرهنگ سیاسی بر تمایلات سیاسی زنان پاکدشت تاثیر مثبت و معنادار دارند. در حالی که اقتدار گرایی شخصیتی و گرایش به گروه مرجع بر تمایلات سیاسی زنان پاکدشت تاثیر معناداری ندارد.

واژه های کلیدی: تمایلات سیاسی، زنان شهر پاکدشت، عوامل اجتماعی

دانشجوی دکتری گروه جامعه شناسی، واحد گرمسار، دانشگاه آزاد اسلامی، گرمسار، ایران^۱

استادیار گروه جامعه شناسی، واحد گرمسار، دانشگاه آزاد اسلامی، گرمسار، ایران. (نویسنده مسئول)^۲

استادیار گروه جامعه شناسی، واحد گرمسار، دانشگاه آزاد اسلامی، گرمسار، ایران^۳

مقدمه

تحولات دهه های اخیر در جوامع مختلف حاکی از اهمیت و جایگاه ویژه سیاست و مسائل مرتبط با آن است؛ به طوری که منجر به توسعه قلمرو امور سیاسی از محدوده پدیده‌ای به نام دولت شده است و در قلب پدیده‌ای در همه روابط، جلوه‌ها و نهادهای اجتماعی نمایان شده است. بنابراین، در کنار اهمیت سیاست و امور سیاسی در ابعاد مختلف زندگی و اهمیت شناخت آن در عصر حاضر، یکی دیگر از مظاهر جهان کنونی رشد آگاهی زنان و حضور فعال آن‌ها در عرصه‌های مختلف زندگی است. بنابراین، سیاست و حضور در امور سیاسی یکی از حوزه‌هایی است که زنان تمایل به حضوری پررنگ‌تر دارند و بدین منظور بایستی استراتژی‌ها و تمایلات سیاسی‌شان را مشخص کنند (مرادی نژاد و دیگران، ۱۴۰۱).

طی دهه‌های اخیر موقعیت زنان ایرانی به دلیل برخی تحولات داخلی و فراملی دچار تغییراتی شده است و وقوع انقلاب اسلامی و رشد ارزش‌های عدالت خواهانه، گسترش آزادی‌های مدنی، فرآیند نوسازی و توسعه جامعه، دگرگونی ارزش‌های سنتی، افزایش تحصیلات دانشگاهی، بهره‌مندی از رسانه‌های اجتماعی و دسترسی به اطلاعاتی که در سطح جهانی گردش دارد، در مجموع میزان سرمایه فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی و سیاسی زنان را ارتقا داده است. بنابراین، این امر منجر به تحول در جایگاه زنان در سلسله مراتب جامعه شده و نقش آن‌ها را در اداره امور کشور دگرگون ساخته است (درویشی سه‌تلائی و همی، ۱۳۹۷). بنابراین، تمایلات سیاسی بروز دادن تفکرات سیاسی است که در آن خیر عمومی برای افراد نهفته است که نهادهای اجتماعی بر این نوع از تمایلات سیاسی تأثیر می‌گذارد (نیک بخش، ۱۴۰۱). تمایلات سیاسی افراد را به پنج دسته واپسگرا، محافظه کار، میانه رو، لیبرال و رادیکال تقسیم می‌کند.

رادیکال‌ها: رادیکالیسم یک موضع‌گیری است و در آن اعتقاد بر این است که مسائل مربوط به مردم را می‌توان با کاربرد عقل حل و رفع کرد. رادیکالیسم اندیشه و ایدئولوژی سیاسی تمام عیار و کاملی نیست، محتوای آن بر حسب وضع و حال سیاسی، که رادیکالها خود را در آن می‌بینند، تغییر می‌کند. به طور کلی یک رادیکال را می‌توان فردی دانست که از جامعه موجود به حد افراط ناراضی است و بنابراین از پیشنهادهاى شدت عمل برای دگرگون کردن آن جانبداری می‌کند. از این نظر همه رادیکالها جانبدار دگرگونی فوری (سرعت و شتاب) و اساسی (ژرفا) جامعه هستند (عالم، ۱۳۷۹: ۱۲۱).

لیبرال‌ها: لیبرالیسم یا فلسفه و جهان بینی لیبرالها، نوعی نگرش است، یعنی آمادگی ذهن برای ملاحظه مسائل با دیدگاهی خاص، مسائلی که ساماندهی زندگی در جامعه برای انسان پیش می‌آورد. نوع این نگرش و جهان بینی به گرایشهای سیاسی و ایدئولوژیک پشتیبانان نظام و آزادیهای بورژوازی و پارلمانی مربوط است که در راه

فعالیت های اقتصادی و تأمین منافع صنعتی در دوره مبارزه برای تسلط سیاسی و اقتصادی می کوشند (عالم، ۱۳۷۹: ۱۲۵).

میانہ روها: میانہ روها مسائل موجود را می شناسند و سیاستهای بدیل را هم معقولانه ارزیابی می کنند، اما با وجود عقلانیت نظرشان، هرگز به واقع موضع نمی گیرند. اگر فردی موضعی به روشنی لیبرالی یا محافظه کارانه بگیرد او را مدافع یا دست کم توجیه گر آن موضوع می دانند. اما آنها که خود را میانہ رو می نامند، با گفتن اینکه «هر دو طرف نکات خوبی مطرح می کنند»، مخاطبان خود را راضی یا عصبانی می کنند (عالم، ۱۳۷۹: ۱۲۹).

محافظه کارها: در یک تعریف ساده و کلی از محافظه کاری می توان محافظه کاری را تمایل به حفظ آنچه وجود دارد و مخالفت با آنچه تمایل به تغییر دارد تعریف نمود (نیلسون، ۱۹۸۵: ۵۶۸). اما در تعریفی جامع تر از محافظه کاری می توان به تعریف هانتینگتون از این مفهوم اشاره نمود. هانتینگتون معتقد است که «محافظه کاری نظامی از ایده هاست که برای توجیه نظم اجتماعی مستقر به کار گرفته می شود، فارغ از اینکه این نظم از کجا و از چه زمانی وجود داشته است (هانتینگتون، ۱۹۵۷: ۴۵۵). بنابراین می توان گفت مبنای ارزشی اندیشه محافظه کاری با هر نوع چالشی علیه نظم موجود مخالف است، و به دنبال تأیید بی چون و چرا نظم موجود است.

واپسگراها: واپسگراها با عقاید مربوط به پیشرفت اجتماعی که گروههای بخش چپ وضع موجود روی خط طیف سیاسی، از آنها جانبداری می کنند، مخالفت می نمایند، و به زمانهای گذشته، به هنجارها و ارزشهایی که زمانی در گذشته ها وجود داشتند و اینک در گذشته اند، می نگرد (باردات، ۱۹۹۴: ۲۶؛ به نقل از عالم، ۱۳۷۹: ۱۳۹).

عاملیت سیاسی زنان در جامعه نیازمند رشد آگاهی و دانش آنهاست که به طور کلی می توان به دو نقطه عطف به عنوان سرآغاز آن در جهان اشاره کرد: در وهله اول، وقوع انقلاب صنعتی و رشد تغییرات در سطح جهان بود که باعث شد، شیوه های سنتی کسب و کار تغییر پیدا کند و دفاع از حقوق زنان مرسوم گردد (پهلوانی و گلستانی، ۱۳۹۵). به طوری که زنان با وقوع انقلاب صنعتی با ماشین های جدید و در کارخانه به کار مشغول شدند. علاوه بر این، حضور زنان در کارخانه ها به آنها احساسی از هویت جمعی را بخشید که پیشتر نمی توانستند آن را تجربه کنند. کسانی که نقطه اتصال خود را جنسیت خویش می دانستند و می خواستند حقوق مبتنی بر آن را از جامعه دریافت کنند. در وهله دوم، وقوع جنگ جهانی اول بود که پس از آن زنان توانستند به حق رای دست یابند و بدین ترتیب مسیر برای حضور آنها در حوزه عمومی هموارتر شد (وحیدی راد، ۱۳۹۷).

بررسی تمایلات سیاسی به سطحی از سیاست می پردازد که دو عامل جامعه شناختی و روان شناختی را در فضای سیاسی به یکدیگر گره می زند و رخدادی سیاسی را به

تصویر می کشد که پیامد شرایط و تغییرات جامعه و روان افراد می باشد. این مهم در اندیشه اندیشمندان این حوزه از قبیل: افلاطون، منتسکیو، ژان ژاک روسو، دیوید هیوم، الکس دوتوکویل، امیل دورکیم و ماکس وبر مشهود است. اما باید این نکته را در نظر داشت که توجه و مطالعه اندیشمندان و متفکران مذکور و دیگر اندیشمندان این حوزه که عموماً از جوامع غربی هستند دلیلی بر شناخت دقیق و همه جانبه و تبیین عوامل موثر بر تمایلات سیاسی در جوامع دیگر از قبیل جوامع کمتر توسعه یافته یا در حال توسعه نیست. چرا که این جوامع بواسطه ظهور مدرنیته و آشنایی با فرهنگ دیگر اقوام دچار تغییرات بنیادین در ساختارهای اجتماعی شده اند، و نیازمند شناسایی متغیرهای اثرگذار جدید بر تمایلات سیاسی می باشد. بنابراین «عوامل اثرگذار بر تمایلات سیاسی زنان به صورت یک الگوی خاص برای تمام ملت ها نمی باشد، ملت های مختلف جهان بنا به الگوهای تاریخی، فرهنگی، دینی، سیاسی، محیطی و همچنین بسته به تجربه زیسته افراد می تواند متفاوت باشد و همچنین به افراد به اشکال متفاوتی از این الگوها اثر بپذیرند. بنابراین الگوهای رفتار و تمایلات سیاسی افراد با توجه به عوامل مختلف متفاوت می باشد» (فیرحی، ۱۳۸۵: ۴۴). لذا توجه به عوامل اجتماعی خاص هر جامعه می تواند ما را در درک صحیح از تمایلات سیاسی آن جامعه یاری نماید. در این راستا، مرادی نژاد و دیگران (۱۴۰۱) استراتژی های زنان ایرانی جهت ورود به عرصه سیاست و مواجهه با امر سیاسی را بررسی کردند. براساس نتایج این پژوهش چهار گونه استراتژی مقاومت جنسیتی جسورانه، بی عملی منتظرانه، سیاست ورزی زنانه (استراتژی نرم)، و عزلت گزینی مایوسانه به دست آمده اند. از این رو می توان گفت با توجه به تفاوت شیوه آگاهی و منشأ آن در افراد، گزینش استراتژی و راهبرد نیز در بین زنان متفاوت است و به دنبال آن تکتیری از الگوهای عاملیت و سوژگی زنان در میدان سیاست وجود دارد. درویشی سه تالانی و همتی (۱۳۹۷) سناریوهای پیش روی حضور زنان ایرانی در عرصه سیاست ۱۳۹۶—۱۴۰۶ یک بررسی آینده پژوهانه را بررسی کردند. سناریوی اول: حضور کم رنگ و کم اثر زنان؛ سناریوی دوم: تحول نهادی و شکل گیری الگوی سکولار مشارکت در ایران؛ سناریوی سوم: پیشتازی زنان با ایجاد فرصت های برابر سیاسی، اقتصادی و رفع نارسایی های فرهنگی اجتماعی؛ سناریوی چهارم: ارتقای وضع فعلی مشارکت زنان — تدوین شدند. بررسی های انجام شده نشان می دهند که نمی توان روند ده سال آینده فعالیت زنان در عرصه سیاست را حضوری صرفاً کم رنگ و کم اثر دانست، بلکه رشد تدریجی مشارکت آنان محتمل و مطابق با واقع خواهد بود. در تحقیقی دیگر، مرادی نژاد و دیگران (۱۴۰۱) زنان ایرانی و هزار توی ورود به سپهر سیاست را بررسی کردند. براساس نتایج چهار تم سیاست ورزی هژمونیک مردلنه، پنداشت از خلیقات زنلنه، عدم امکان سیاست ورزی ناب و استیلای ارزش های مردانگی هژمونیک استخراج گردید. علاوه بر این نتایج پژوهش حاکی از سه نکته مهم است: ۱. در بحث موانع حضور و عاملیت زنان در قلمرو سیاست، نکته حائز اهمیت وجود مانع فرهنگی — تاریخی (انسداد ساختاری

جنسیتی) و فقدان الگوی اجتماعی در این زمینه است. ۲. در دنیای کنونی یک الگوی هنجاری جهان‌شمول در مورد میزان عاملیت سیاسی زنان وجود ندارد. ۳. ایجاد ممانعت برای حضور زنان در عرصه سیاست و تک جنسیتی شدن این عرصه، یکی از مهمترین دلایل افزایش تقابل‌های مخرب در فضای سیاسی و میدان قدرت است.

ریشه این تضاد بین سنت و مدرنیته در الگوی وارداتی از دموکراسی ریشه دارد. لذا همانطور که می‌دانیم جامعه ما یک جامعه در حال گذار از سنت به مدرنیته است، که در بین تمام کشورهایی که الگوی وارداتی از دموکراسی داشتند طولانی‌ترین دوره این گذار را طی نموده است. دوره ای که به مدت یکصد سال به طول انجامیده است، که طی آن رویاروی تجدد با سنت بخش‌های مهمی از جامعه را تحت تأثیر خود قرار داده است به گونه ای که ساختار جامعه و نظام‌های قشربندی آن را متحول ساخته است، و ارزش‌ها و هنجارهای خاص خود و همچنین الگوهای کنشی و رفتاری همسو با خود را استقرار بخشیده است. اما باید در نظر داشت که این ارزش‌ها و هنجارها مدام با فرهنگ سنتی جامعه در جدل بوده و به تهدید و تضعیف متقابل این دو نوع الگوی سنتی و مدرن منجر شده است، به گونه ای که بخش‌هایی از نظام قشربندی و طبقات ماقبل مدرن خود را حفظ نموده و بخش‌های بسیاری نیز دستخوش تحولات عظیم مدرنیسم شده است. بنابراین اگر این دو پارگی را بین سنت و مدرنیته بپذیریم بیشتر به مسأله بودن تمایلات سیاسی مردم که در کشا قوس این دو جریان عظیم سنت و مدرنیته قرار گرفته‌اند پی می‌بریم، که هدام تمایلات متفاوتی را ممکن است نسب به مسائل سیاسی برانگیزد، به گونه ای که سبب می‌گردد طیف بندی گسترده ای از تمایلات سیاسی ایجاد نماید که افراد در بین این طیف جایگاهی را به خود اختصاص دهند. یکی از کامل‌ترین طیف بندی‌ها در خصوص تمایلات سیاسی از سوی عبدالرحمن عالم صورت گرفته است که مبنای بررسی تمایلات سیاسی در این پژوهش می‌باشد. در این طیف بندی عالم بین دو گرایش اصلی و قدیمی که در مطالعات مربوط به تمایلات و گرایش‌های سیاسی همیشه مبنای قضاوت اندیشمندان مختلف بوده یعنی گرایش راست و چپ پنج گونه تمایل سیاسی را مشخص نموده است که شامل تمایلات واپسگرا، محافظه‌کار، میانه‌رو، لیبرال و رادیکال می‌باشد. در این راستا یکی از مهمترین سوالاتی که در این پژوهش به دنبال آن هستیم این است که گونه‌های مختلف تمایلات سیاسی در بین افراد به چه صورت است؟ به نوعی در پاسخ به این سوال به دنبال آن هستیم که سهم افراد در هر یک از این تمایلات سیاسی به چه میزان است.

تمایل سیاسی زنان متأثر از فرهنگ عمومی و برآیندی از رفتار عمومی، سلیقه‌ها و تجربه‌های شخصی زنان جامعه محسوب می‌شود. اما این تمایلات را نمی‌توان صرفاً توده‌های تصادفی نامید که جدا از هم زندگی می‌کنند، بلکه می‌بایستی آن را به صورت یک کل منسجم در نظر گرفت که از تجربیات شخصی و جمعی ریشه گرفته و اعم از هر تجربه به صورت منفرد است. این تجربه‌های شخصی در جامعه

ایرانی تجربه بهره گیری از فضای فرهنگ سیاسی، جامعه پذیری سیاسی، اقتدارگرایی شخصیتی و جهت گیری های مذهبی می باشد. خلیقات و تمایلات جهت دهنده رفتار زنان به طور کلی و رفتار سیاسی به طور خاص هستند. لذا مجموع این عوامل گوناگونی که شامل عوامل فردی و جمعی می باشد، بر تمایلات سیاسی زنان موثر است. در این راستا پژوهش حاضر با گونه شناسی تمایلات سیاسی با شناخت انواع گونه های تمایل زنان شهر پاکدشت به سیاست و همچنین عوامل اجتماعی موثر بر آن می خواهد سهم اثرگذاری هر یک از این عوامل را بر گونه های مختلف تمایلات سیاسی زنان شهر پاکدشت بسنجد.

روش شناسی تحقیق

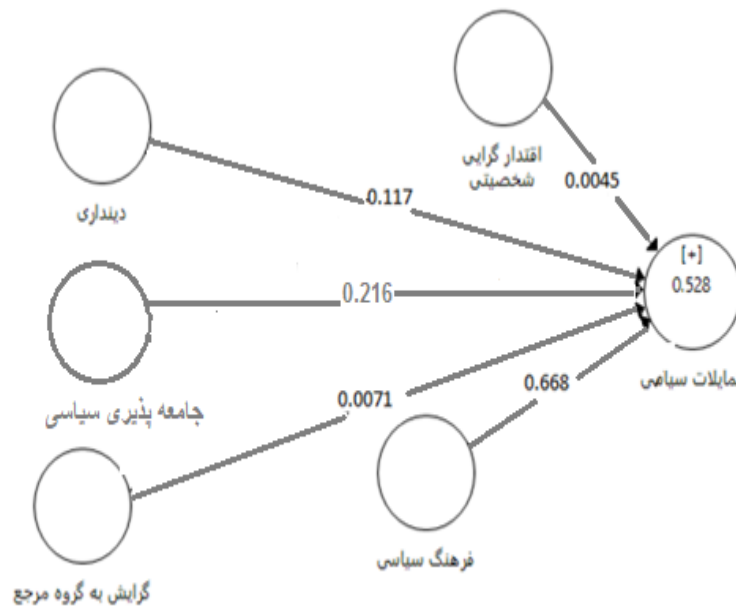
پژوهش حاضر پژوهشی توصیفی از نوع همبستگی و مبتنی بر مدلسازی معادلات ساختاری است و از لحاظ هدف نیز جزء تحقیقات کاربردی محسوب می شود. داده های این تحقیق به صورت میدانی و با استفاده از پرسش نامه گردآوری شد. در این پژوهش، جامعه آماری شامل تمامی زنان شهر پاکدشت بود، که براساس سرشماری سال ۱۳۹۵ این تعداد ۱۱۵۸۶۰ نفر بوده است که نمونه آماری به تعداد ۳۸۴ نفر انتخاب شد. در این پژوهش، جهت نمونه گیری ابتدا از روش نمونه گیری خوشه ای چند مرحله ای استفاده شد. بدین معنا که در مرحله اول از هر دو منطقه شهرداری شهر پاکدشت که هر منطقه شامل ۴ ناحیه و جمعاً دارای ۸ ناحیه می باشد بصورت تصادفی ساده دو خیابان را از هر ناحیه انتخاب کرده ایم، که جمعاً ۱۶ خیابان را در بر می گیرد. سپس از هر خیابان حدود ۲۵ خانه به صورت تصادفی سیستماتیک انتخاب شد و با مراجعه به این خانه ها افراد نمونه از خانه هایی منتخب برگزیده و پرسشنامه را در اختیار آنان قرار داده شد. لازم به ذکر است که شیوه انتخاب واحدهای مسکونی در داخل هر یک از بلوک ها نیز تصادفی سیستماتیک بوده است، بدین صورت که تعداد واحدهای مسکونی موجود در خیابان مورد نظر بر تعداد پرسشنامه هایی که باید در آن خیابان پر شود، تقسیم گردید و عدد حاصله بعنوان فاصله بین واحدها در نظر گرفته شد که اولین واحد بصورت تصادفی انتخاب شده و واحدهای بعدی با رعایت فاصله بین واحدها انتخاب گردید.

در این تحقیق از یک پرسشنامه محقق ساخته جهت سنجش تمایلات سیاسی زنان استفاده شد. این پرسشنامه شامل ۸۳ سوال بود که تمایلات سیاسی شامل ۲۰ سوال، فرهنگ سیاسی شامل ۲۷ سوال، دینداری شامل ۱۳ سوال، جامعه پذیری سیاسی شامل ۸ سوال، اقتدارگرایی شخصیتی شامل ۹ سوال، گرایش به گروه های مرجع شامل ۶ سوال است. شرکت کنندگان از طریق لیکرت ۵ درجه ای از ۱ (کاملاً مخالفم) تا ۵ (کاملاً موافقم) به سوالات پاسخ دادند. پایایی پرسشنامه به روش ضریب آلفای کرونباخ بررسی شد و تمایلات سیاسی (۰/۷۳)، فرهنگ سیاسی (۰/۷۱)، دینداری (۰/۸۱)، جامعه پذیری سیاسی (۰/۷۳)، اقتدارگرایی شخصیتی (۰/۷۷) و گرایش به گروه های مرجع (۰/۷۲) به دست آمد. برای تجزیه و تحلیل داده ها از شاخص های

آماري توصيفي و مدلسازي معادلات ساختاري براي آزمون مدل و روابط بين متغيرها استفاده شد. هم چنين در اين پژوهش از نرم افزار اسمارت پي ال اس^۱ نسخه ۳/۳/۵ براي تجزيه و تحليل داده ها استفاده شد.

يافته ها

نتايج جدول سه وزن هاي رگرسيوني استاندارد شده مدل را نشان مي دهد. براساس نتايج، مي توان گفت جامعه پذيري سياسي با ضريب رگرسيوني ۰/۲۱ و نسبت بحراني ۳/۱۶ و سطح معناداري کوچکتر از ۰/۰۵ تاثير مثبت و معنادار بر تمايلات سياسي زنان پاكدهشت دارد. هم چنين، دينداري با ضريب رگرسيوني ۰/۱۱ و نسبت بحراني ۱۹/۰۳ و سطح معناداري کوچکتر از ۰/۰۵ تاثير مثبت و معنادار بر تمايلات سياسي زنان پاكدهشت دارد. علاوه بر اين، فرهنگ سياسي با ضريب رگرسيوني ۰/۶۶ و نسبت بحراني ۱۸/۴۱ و سطح معناداري کوچکتر از ۰/۰۵ تاثير مثبت و معنادار بر تمايلات سياسي زنان پاكدهشت دارد. در حالي كه اقتدار گرایی شخصيتي با ضريب رگرسيوني ۰/۰۴ و نسبت بحراني ۱/۰۶ و سطح معناداري بزرگتر از ۰/۰۵ بر تمايلات سياسي زنان پاكدهشت تاثير معناداري ندارد. همچنين، گرايش به گروه مرجع با ضريب رگرسيوني ۰/۰۷ و نسبت بحراني ۱/۰۸ و سطح معناداري بزرگتر از ۰/۰۵ بر تمايلات سياسي زنان پاكدهشت تاثير معناداري ندارد.



شكل ۱: مدل تحقيق در حالت استاندارد

1. SmartPls

جدول ۱: وزن‌های رگرسیون استاندارد شده مدل پیش فرض

نتیجه	Sig	آماره T	ضریب بتا	معیار
رد	۰.۲۹۰	۱.۰۶	۰.۰۰۴۵	اقتدار گرایی شخصیتی
تائید	۰.۰	۳.۱۶	۰.۲۱۶	جامعه پذیری سیاسی
تائید	۰	۱۹.۰۳۷	۰.۱۱۷	دینداری
تائید	۰	۱۸.۴۱۶	۰.۶۶۸	فرهنگ سیاسی
رد	۰.۲۷۷	۱.۰۸۷	۰.۰۰۷۱	گرایش به گروه مرجع

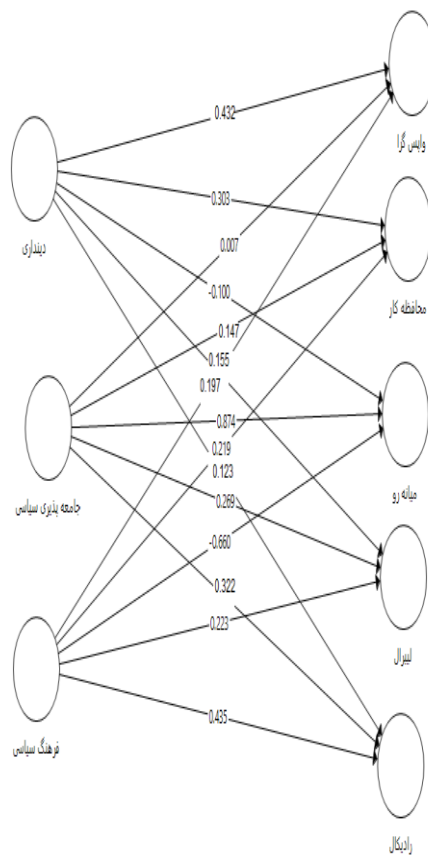
متناسب به داده های جدول شماره ۱ می توان بیان داشت که هیچ رابطه معناداری مابین گرایش به گروه مرجع و تمایلات سیاسی وجود ندارد. اقتدار گرایی و تمایلات سیاسی نیز فاقد رابطه معنادار می باشند. این در حالی است که سایر متغیرهای پژوهش به شرح زیر مورد تائید قرار می گیرند:

اقتدار گرایی شخصیتی فاقد رابطه معنادار با تمایلات سیاسی است
جامعه پذیری سیاسی دارای تاثیر مثبت با ضریب ۰.۲۱۶ و سطح اثر بخشی متوسط می باشد.

میزان دینداری دارای تاثیر مثبت با ضریب ۰.۱۱۷ و سطح اثر بخشی متوسط می باشد

فرهنگ سیاسی دارای تاثیر مثبت با ضریب ۰.۶۶۸ و سطح اثر بسیار شدید می باشد

گرایش به گروه مرجع فاقد رابطه معنادار با تمایلات سیاسی است.
با توجه به سه متغیر اثر گذار می توان اهمیت هریک از آنها را در مقام مقایسه با ابعاد تمایلات سیاسی نیز مورد بررسی قرار داد.



نمودار ۲ تحلیل مسیر متغیرهای پژوهش

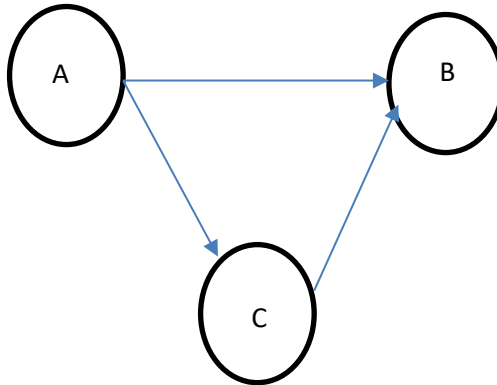
بر مبنای تحلیل نمودار شماره ۲ می توان عنوان داشت که متغیر دینداری بیشترین اهمیت تاثیر را در واپس گرایی و محافظه کاری داشته است. این بدان معنا می باشد که افراد دیندار در تمایلات سیاسی واپس گرایانه و محافظه کارانه تر رفتار میکنند.

متغیر جامعه پذیری سیاسی بیشترین ضریب مسیر را با تمایلات سیاسی رادیکال و میانه رو دارد. این بدین معناست، اگرچه این متغیر رابطه معنادار با سایر ابعاد تمایلات سیاسی نیز دارد اما وجود بار عاملی بالا در میان دو بعد رادیکال و میانه نشان دهنده این نکته است که هرچقدر جامعه پذیری سیاسی افراد بیشتر باشد، گرایشات سیاسی آنها بیشتر به سمت رادیکال شدن حرکت میکند. متغیر فرهنگ سیاسی بیشترین ضریب مسیر را با تمایلات رادیکال برقرار میکند. این بدان معناست که به میزان افزایش فرهنگ سیاسی جامعه دیدگاه افراد رادیکال تر می شود.

تحلیل میانجی :

با توجه به روابط مستقیم و غیر مستقیم در نمودار زیر به نظر می رسد می توان مابین سه متغیر دینداری، جامعه پذیری و تمایلات سیاسی متغیر میانجی را شناسایی کرد. دلایل چنین امری را می توان در وجود رابطه مستقیم معناداری و غیر مستقیم

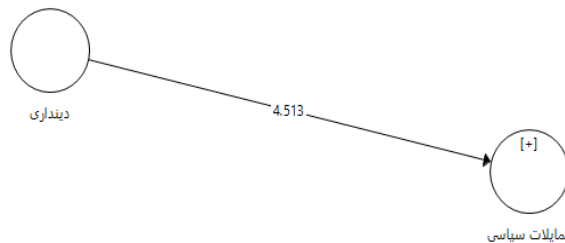
معنادار متغیر دینداری دانست. به منظور شناسایی میانجی در این بخش با توجه به آزمون سوبل به بررسی این امر می پردازیم. سوبل معتقد بر این امر می باشد که زمانی می توان میانجی را در یک مدل تشخیص داد که مابین متغیر **A** و **B** رابطه مستقیم مطرح باشد. و در عین حال رابطه مابین متغیر **A, B, C** نیز معنادار باشد. شکل زیر به نوعی بیانگر نظر سوبل می باشد. مبتنی بر نمودار ۳ می توان رابطه سه متغیر جامعه پذیری، دینداری و تمایلات سیاسی را تدوین و بررسی کرد.



نمودار ۳- تحلیل میانجی

بر طبق نظر سوبل متغیری میانجی می باشد که مابین متغیر مستقل **A** و **B** را بطنه مستقیم معناداری وجود داشته باشد. بنابراین در این مرحله مدل را یک بار بدون ارتباط غیر مستقیم **A** و **C** را می کنیم... شرط دوم پذیرش میانجی در این نکته قرار دارد که متغیری می تولد میانجی باشد که هم زمان مسیر **A, C** نیز در آن معنادار باشد. بنابراین در این بخش یکبار کل مدل را با رسم متغیر میانجی و ارتباط معناداری مابین آنها تنظیم می کنیم.

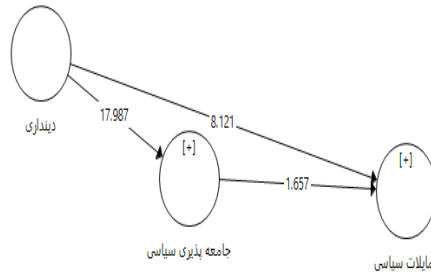
بنابراین در این بخش به بررسی رابطه مستقیم مابین متغیر **A, B** می پردازیم. یا به عبارت دیگر رابطه مستقیم دینداری و تمایلات سیاسی در نمودار ۴، مدل را در حالت معناداری ضرایب استاندارد نشان میدهد.



نمودار ۴ رابطه مستقیم دینداری و تمایلات سیاسی

با توجه به مقدار ضریب استاندارد یا مقدار **T** می توان بیان داشت که رابطه معناداری مثبتی مابین دینداری و تمایلات سیاسی وجود دارد.

در بخش دوم به منظور بررسی رابطه میانجی، باید مسیر **A,B,C** معنادار باشد. بدین ترتیب مدل ۵ مطرح می شود.



نمودار ۵ رابطه میانجی جامعه پذیری سیاسی

با توجه به مقدار **T** درج شده روی مسیر ها، مشخص می شود که متغیر جامعه پذیری یک متغیر میانجی می باشد. بنابراین می توان عنوان داشت که ارتباط معنادار دینداری با جامعه پذیری، دینداری با تمایلات سیاسی و جامعه پذیری سیاسی با تمایلات سیاسی به وجود رابطه میانجی جامعه پذیری سیاسی در این بین منجر می گردد.

بحث و نتیجه‌گیری

هدف کلی پژوهش حاضر گونه شناسی تمایلات سیاسی و عوامل اجتماعی موثر بر آن در زنان شهر پاکدشت بود. یافته‌های پژوهش حاضر نشان داد که اقتدار گرایی شخصیتی بر تمایلات سیاسی زنان پاکدشت تاثیر معناداری ندارد. گزاره حاضر بیانگر این نکته است که به میزان تغییر در اقتدار گرایی گرایش‌های سیاسی افراد تغییر نمی‌کند. در واقع به تناسب چنین گزاره‌هایی و نیز تطابق با مبانی نظری و گفتمان نظری در این میان می‌توان بیان داشت که افراد با شخصیت اقتدار گرا به سبب تمایل بر سلطه، تمایلات سیاسی‌شان به دلیل عدم ایجاد سوگرایی تغییری نمی‌کند. بدین ترتیب می‌توان بیان داشت که به تناسب افزایش شخصیت اقتدار گرا شاهد کاهش تمایلات سیاسی بانوان اتفاق می‌افتد. در واقع اقتدار گرایی متغیری است که هم بر روی جهت‌گیری مذهبی افراد موثر است و هم زمینه برای تمایلات سیاسی آن‌ها می‌باشند. کاویانی و همکاران (۲۰۱۶) بیان می‌کنند که به تناسب مدت زمان اقامت و زندگی ایرانیان در بریتانیا شاهد روند کاهشی اقتدارگرایی ما بین شهروندان ایرانی می‌باشیم. چنین روندی در نهایت در روندهای سیاسی و مشارکتهای سیاسی و همچنین تمایلات سیاسی ایرانیان در بریتانیا موثر بوده است. آرنه نیز در تبیین چنین روندی می‌گوید که شرایط زیست در کشورهای غیر دموکرات زمینه اصلی و مهم شکل‌گیری اقتدارگرایی در توده‌های مردم است. که همین امر به صورت دور تسلسل مبدل می‌شود. چرا که این متغیر خود نیز در تمایلات سیاسی و نهایت مشارکت سیاسی افراد موثر واقع می‌شود. و افراد اقتدار گرا تمایلات دموکرات و چپ را از خود بروز نمی‌دهند.

نتایج دیگر این تحقیق نشان داد که دینداری تاثیر مثبت و معنادار بر تمایلات سیاسی زنان پاکدشت دارد. می‌توان دینداری را گونه‌ای از ایدئولوژی تعریف نمود که برداشت‌ها و تلقی‌های متفاوتی را مابین افراد ایجاد می‌کند و الگوهای رفتاری خاصی را مطرح می‌نماید. بر این اساس به سبب اینکه بخش بزرگی از هنجارها و ارزشها و زمینه‌های فکری افراد متأثر از دینداری آنها می‌باشد. در این راستا باید عنوان داشت که از جمله نظریاتی که برای تبیین ارتباط میان دینداری و گرایش‌های سیاسی مورد استفاده قرار گرفته است، نظریه جنگ‌های فرهنگی است که توسط جامعه‌شناسای همچون هانتز و وثنو مطرح شد و توسعه یافت. بنابراین می‌توان اندیشه‌های دینی افراد را بعنوان یک عنصر مهم در تمایلات سیاسی و گرایش‌های سیاسی آنها تلقی کرد. همسو با این فرضیه غلامی (۱۳۹۸) در مطالعه خود به این امر اشاره می‌کند که مابین دینداری و طبقه اجتماعی و نگرش سیاسی افراد رابطه معنادار مستقیمی وجود دارد. در این مطالعه ۷۶ درصد پاسخگویان دارای نگرش اصلاح طلبانه و ۲۴ درصد نگرش اصول‌گرایی دارد. لطفی نیز (۱۳۹۲) بیان می‌کند که گرایش سیاسی محافظه‌کار با مولفه‌های دینداری و رضایت سیاسی بالا مطرح می‌

شوند. کشاورز (۱۳۹۰) به این امر اشاره دارد که گرایش سیاسی میانه رو از لحاظ نوع دینداری سنت گرامی باشد. این در حالی است که گرایش سیاسی لیبرال به لحاظ دینداری تجدد گرای اسلامی هستند. همچنین گرایش سیاسی رادیکال به لحاظ دینداری سکولار می باشد. بدین ترتیب می توان عنوان داشت که مابین تمایلات سیاسی و دینداری رابطه مستقیم و معناداری وجود دارد. اما در کنار بررسی مطالعاتی در مورد نقش دین در شکل گیری تمایلات سیاسی برخی مطالعات به نتایج متفاوتی اشاره دارند. بعنوان نمونه واحد در پژوهش خود به بررسی و تقسیم بندی گرایشات سیاسی و ارزشهای مذهبی افراد پرداخته است. در این تقسیم بندی تفاوت زیادی مابین گرایش سیاسی و دینداران مشاهده شده است. به گونه ای که فرامادیون نسبت به مادیون دموکراسی خواه تر بوده اند. البته در نگاه واحدی دلیل تفاوت سیاسی بیش از هر چیزی به نگاه متفاوت به دین بوده است نه میزان دینداری. باید در نظر داشت که هانتینگتون و فوکویاما نگاهی متفاوت با تحقیق و یافته های واحد داشته اند.

نتایج دیگر این تحقیق نشان داد که جامعه پذیری سیاسی تاثیر مثبت و معنادار بر تمایلات سیاسی زنان پاکدشت دارد. همچنان که در تعریف جامعه پذیری سیاسی آمد جامعه پذیری سیاسی یادگیری تدریجی هنجارها، نگرش ها و رفتارهای مقبول یک نظام سیاسی است، که به طور مستمر در ادوار مختلف زندگی افراد در جریان است و شخصیت سیاسی افراد را شکل می دهد، و در واقع فرهنگ سیاسی یک جامعه را از نسلی به نسل دیگر منتقل می کند (آذین و جهانشاهی، ۱۳۸۹: ۱۰۷). می توان به گفتمان آشنای هابرماس دست یافت، در دیدگاه وی رابطه طرفین کنش در نظامات اجتماعی بر مفاهیم استوار است. در واقع روابط پیش آمده در بستر اجتماع زمینه ساز مهمی برای پیدایش گرایشات سیاسی افراد می باشد. شاید همین تفسیر است که زمینه ساز بسیاری از تحقیقات و مطالعات در زمینه اهمیت تمایلات سیاسی می گردد. کاویانی و همکارانش در سال ۲۰۱۶ در بررسی خود به منظور نگاه به ابعاد جامعه پذیری و گرایشات سیاسی در میان ایرانیان خارج از کشور چنین بیان میکنند. بزرگ شدن در یک فرهنگ خاصی می تواند بر جریان جامعه پذیری و گرایشات سیاسی افراد تاثیر ویژه ای بگذارد. در بررسی دیگری اینگلهارت به سال ۱۳۸۲ بیان میکند که تفاوت های پایدار در یادگیری فرهنگی نقش مهمی در شکل دادن به آنچه مردم می اندیشند و انجام میدهند دارند (اینگلهارت، ۱۳۸۲: ۲۰-۱۹). در واقع محیط های فرهنگی نقش ویژه ای در باز آفرینش گرایشات سیاسی دارد. در این نگاه می توان زمینه زیست های دوگانه و چندگانه (سنت، مدرنیته، خرده قومیت گرایی) را در شکل گیری خرده فرهنگ های سیاسی ره گیری نمود. بعنوان نمونه در نگاه بشریه در سال ۱۳۷۵ می توان نقش دو فرهنگ مدرن و سنتی را در پیدایش فرهنگ غیر سیاسی و دموکرات دید.

نتایج دیگر این تحقیق نشان داد که گرایش به گروه مرجع بر تمایلات سیاسی زنان پاکدشت تاثیر معناداری ندارد. می توان به گفتمان آشنای هابرماس دست یافت، در

دیدگاه وی رابطه طرفین کنش در نظامات اجتماعی بر مفاهیم استوار است. در واقع روابط پیش آمده در بستر اجتماع زمینه ساز مهمی برای پیدایش گرایشات سیاسی افراد می باشد. شاید همین تفسیر است که زمینه ساز بسیاری از تحقیقات و مطالعات در زمینه اهمیت تمایلات سیاسی می گردد. کاویانی و همکارانش در سال ۲۰۱۶ در بررسی خود به منظور نگاه به ابعاد جامعه پذیری و گرایشات سیاسی در میان ایرانیان خارج از کشور چنین بیان میکنند. بزرگ شدن در یک فرهنگ خاصی می تواند بر جریان جامعه پذیری و گرایشات سیاسی افراد تاثیر ویژه ای بگذارد. در بررسی دیگری اینگلهارت به سال ۱۳۸۲ بیان میکند که تفاوت های پایدار در یادگیری فرهنگی نقش مهمی در شکل دادن به آنچه مردم می اندیشند و انجام میدهند دارند (اینگلهارت، ۱۳۸۲: ۱۹-۲۰). در واقع محیط های فرهنگی نقش ویژه ای در باز آفرینش گرایشات سیاسی دارد. در این نگاه می توان زمینه زیست های دوگانه و چندگانه (سنت، مدرنیته، خرده قومیت گرایی) را در شکل گیری خرده فرهنگ های سیاسی ره گیری نمود. بعنوان نمونه در نگاه بشریه در سال ۱۳۷۵ می توان نقش دو فرهنگ مدرن و سنتی را در پیدایش فرهنگ غیر سیاسی و دموکرات دید.

نتایج دیگر این تحقیق نشان داد که فرهنگ سیاسی تاثیر مثبت و معنادار بر تمایلات سیاسی زنان پاکدشت دارد. براساس یافته های تحقیق فرهنگ سیاسی نقش مهمی در تمایلات سیاسی افراد دارد. در این میان دینداری با اثر گذاری مستقیم بعنوان یکی از متغیرهای بسیار مهم در این زمینه محسوب می شود. جامعه پذیری سیاسی نیز متغیر علی دیگر محسوب می شود. بدین ترتیب می توان عنوان داشت که متغیرهای جامعه پذیری سیاسی، دینداری، فرهنگ سیاسی بعنوان متغیرهای علی محسوب می شوند و متغیرهای گرایش به گروه مرجع، اقتدار گرایی شخصی بعنوان متغیرهایی مطرح می شوند که داری رابطه با متغیرهای تمایلات سیاسی می باشد. در این میان باید در نظر داشت که افراد به تناسب دینداری بیشتر محافظه کار و واپس گرا هستند. طیف وسیعی از گزاره های مذهبی مانند عقل گرایی دینی، آزادی خواهی، کثرت گرایی، انسان مداری، علم گرایی، مادی گرایی، سکولاریسم فرد گرایی، ریشه مشکلات جهان اسلام و سنت سنتزی نشان م دهد که افراد در اندیشه های سکولار خود و نیز فرد گرایی خود بیش از سایر اندیشه های مذهبی تمایل رادیکال و لیبرال را داشته اند. این در حالی است که عقل گرایی دینی بیشترین تطابق را با ساختارهای سیاسی محافظه کارانه و واپس گرایانه است. در این میان فرهنگ سیاسی را باید مجموعه ای معیارهایی چون مدارای سیاسی، حمایت از آزادی، مشارکت مدنی سیاسی، دانش سیاسی، علاقه سیاسی و حمایت از دموکراتیک دانست. به میزان حرکت از مدارای سیاسی به سمت حمایت از دموکراتیک که جامعه ای آزاد و بدور از تعصب را ره گیری می نماید افراد در تمایلات سیاسی خود محافظه کار و واپس گراتر می باشند.

پیشنهادات:

براساس یافته‌های این تحقیق پیشنهاد می‌شود

- شبکه‌های اجتماعی به عنوان یکی از مهم‌ترین ابزارها جهت توسعه فرهنگ سیاسی، جامعه‌پذیری سیاسی بانوان پاکدشت از طریق تولید محتواها نقش فعال‌تری را ایفا کند.
- پیشنهاد می‌شود در اماکن مذهبی و فرهنگی کرسی‌های آزاد اندیشی و همایش‌های سیاسی برای بانوان پاکدشت برگزار شود.
- به محققین آتی پیشنهاد می‌شود تمایلات سیاسی بانوان را با روش کیفی شناسایی کنند و در تحقیقی دیگر تمایلات سیاسی بانوان مناطق مختلف تهران مقایسه شوند.
- از آنجا که رسانه‌های جمعی نقش موثری در بیان تمایلات سیاسی و عوامل اجتماعی موثر بر آن دارند، پیشنهاد می‌گردد که یکسو نگری از بین برود و با ارائه برنامه‌ای مطلوب چند سویه در آگاهی بخشی در میان شهروندان تلاش نمایند.
- پیشنهاد می‌گردد تا کلاس‌های جامعه‌شناسی آموزشی در موضوع مرتبط با تمایلات سیاسی شکل گیرد. علت این موضوع از آن جهت است که حتی امروزه در سطح دانشجویان نیز تعصبات پاسخگویی وجود دارد. در پاسخ دادن به سوالات با چالش مواجه ایم و این محدودیت‌ها تنها از راه آموزش برطرف می‌گردد.

منابع

- پهلوانی، الهام؛ و گلستانی، محمود. (۱۳۹۵). بررسی تاثیر جهانی شدن بر فرهنگ سیاسی زنان کشورهای حوزه خلیج فارس (مطالعه موردی: جمهوری اسلامی ایران و عربستان سعودی). *مطالعات فرهنگی و سیاسی خلیج فارس*، ۸(۳)، ۸۷-۱۳۸.
- درویشی سه‌تلانی، فرهاد؛ و همتی، زهره. (۱۳۹۷). سناریوهای پیش روی حضور زنان ایرانی در عرصه‌ی سیاست ۱۳۹۶-۱۴۰۶ یک بررسی آینده پژوهانه. *زن در توسعه و سیاست*، ۱۶(۱)، ۳۷۹-۳۹۶.
- عالم، عبدالرحمن (۱۳۷۹)، بازبینی طیف گرایش های سیاسی، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، دوره ۴۸.
- فیرحی، داود (۱۳۸۵)، قدرت دانش مشروعیت در اسلام، تهران، نشر نی.
- کشاوری، حمیدرضا (۱۳۹۰)، بررسی رابطه میان گونه های مختلف دینداری و گرایشات سیاسی، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده ادبات و علوم انسانی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد گرمسار.
- لطفی، رزیتا (۱۳۹۲)، احساس عدالت و رابطه آن با گرایش های سیاسی (مطالعه شهر تهران)، پایان نامه کارشناسی ارشد، استاد راهنما: محمد حسین پناهی، دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه علامه طباطبایی.
- مرادی نژاد، زینب؛ امینی، سعیده؛ ذکایی، محمدسعید؛ و کرمی قهی، محمد تقی. (۱۴۰۱). استراتژی‌های زنان ایرانی جهت ورود به عرصه سیاست و مواجهه با امر

سیاسی. زن در توسعه و سیاست، ۱۶(۲۰)، ۲۸۷-۳۱۴.

مرادی نژاد، زینب؛ امینی، سعیده؛ و کرمی قهی، محمد تقی. (۱۴۰۱). زنان ایرانی و هزار توی ورود به سپهر سیاست. *جامعه شناسی سیاسی ایران*، ۲۸(۵)، ۳۰۸۸-۳۱۰۹.

نیک بخش، بهرام. (۱۴۰۱). مدل یابی تمایلات سیاسی بر پایه ابعاد دو گانه آلتوسویی و شبکه ای. *جامعه شناسی سیاسی ایران*، ۲۸(۵)، ۳۱۳۳-۳۱۴۸.

وحیدی‌راد، میکائیل. (۱۳۹۷). کنش اجتماعی زنان در جنگ جهانی اول و دستاوردهای آنان پس از جنگ در غرب (با تاکید بر حق رای زنان). *پژوهش نامه زنان*، ۲۴(۹)، ۱۷۹-۱۵۱.

Huntington, S. P. (1957). Conservatism as an Ideology, the American Political Science Review, V.51.N2. P. 454-473.

Kaviani, Hossein, Kinman, Gail, Salavati, Mojgan (2016), (submitted), Bicultural Iranians' political tendency: In between two cultures, *Journal of Cross-Cultural Psychology*.